درس 39

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
ارميا
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (ارميا 1ـ 2ـ 4ـ 10)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: منابع الهي
مرور. دو به دو مرور كنيد. قدرت خدا: اشعيا 41:10.

4 تعليم (90 دقيقه)
غلام بي‌منفعت

مَثَلِ غلام بي‌منفعت در لوقا 17:7-10 يافت مي‌شود و مثلي است در باره «خدمت در ملكوت خدا».
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

قرائت: لوقا 17: 7ـ10

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

يادداشتها:
داستان رابطه غلامان يا بردگان را با ارباب‌هايشان در زمان عيسي توصيف مي‌كند. داستان در مورد مالكِ يك مزرعه كوچك است. او فقط يك غلام يا خدمتكار داشت. در مثل گفته شده كه غلام هر چه به او دستور داده مي‌شد انجام مي‌داد. و ارباب در ازاي كاري كه او انجام مي‌داد، نه به او امتيازي مي‌داد و نه از او تشكر مي‌كرد. عيسي اين داستان را در قالب چند سؤال مطرح مي‌كند. سؤال اول اين است كه: «چه كسي بين شماست كه غلامي داشته باشد،... او را خدمت خواهد كرد؟» پاسخ مورد نظر اين است كه: «خير، ارباب غلام را خدمت نخواهد كرد.» سؤال دوم اين است كه «آيا به او دستور نخواهد داد كه اين كار و آن كار را انجام دهد؟» پاسخ مورد نظر اين است كه «بله، به او دستور خواهد داد كه اين كار و آن كار را انجام دهد.» سؤال سوم اين است كه، «آيا ارباب از غلام براي انجام دادن دستورهايش، تشكر مي‌كند؟» پاسخ مورد نظر اين است كه «نه او از غلام تشكر نخواهد كرد.»

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيينِ عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينة مَثَل در لوقا 17:1ـ6، 11ـ19 بيان شده است. اين زمينه متشكل از سه بخش است: يك هُشدار جدي، يك تشويق بزرگ، و يك مثال متضاد. عيسي در حال تعليم دادن به شاگردان خود بود، امّا

افراد ديگري نيز بودند كه به آنچه او تعليم مي‌داد، گوش مي‌دادند (براي مثال فريسيان، لوقا 16:1 و 14؛ 17:20). هشدار جدي فقط متوجه مسيحيان نيست، بلكه مخاطبين آن غير مسيحيان نيز مي‌باشد.

1) هشدار جدي دربارة به گناه انداختن ديگران است. در لوقا 16، عيسي به مردم در مورد رفتن به جهنم هُشدار مي‌دهد. جهنم مكان دهشتناكي است (لوقا 16:23ـ24) و وقتي كسي در آن قرار گرفت، راه گريزي ديگر نخواهد بود (لوقا 16:26ـ31)! بنابراين، انسان بايد مراقب باشد مبادا گفتار و رفتارش باعث هدايت ديگران بسوي گمراهي و هلاكت ابدي گردد (لوقا 17:1). وسوسه هميشه وجود دارد زيرا طبيعت گناه اين است كه منتشر گردد.

اما اينكه كسي عمداً باعث وسوسه شود بسيار وحشتناك است. بسيار وحشتناك است اگر شخصي باعث شود حتي يكي از كوچكترين فرزندان مسيح مرتكب گناه شود، يعني اينكه عمداً بر سر راه او دامي قرار دهد تا او را اغوا كرده، به گناه بكشاند. عيسي براي تمام كساني كه عمداً ديگران را به گناه سوق مي‌دهند و از شرارتشان توبه نمي‌كنند، لعنتي نبوتي مقرر مي‌دارد. در زمينة گفتة عيسي در متي 13:41 در مورد اشخاصي كه باعث گناه و انجام شرارت مي‌گردند، فكر كنيد. وسوسة عمدي ديگران براي ارتكاب گناه، خطايي بسيار جدي تلقي شده است، چرا كه از طريق وسوسة عمدي بود كه گناه وارد دنياي انساني گرديد (پيدايش 3:1ـ6) و از طريق وسوسه است كه گناه در دنياي انساني به گسترش خود ادامه مي‌دهد (اول تيموتاؤس 6:9ـ10). نه مشيت ابدي خدا و نه واقعيت‌هاي تاريخي، هيچيك دليلي موجه براي وسوسة عمدي ديگران به ارتكاب گناه، ارائه نمي‌كند (لوقا 22:22؛ اعمال رسولان 2:23).

همچنين مسيحيان بايد مراقب باشند مبادا با بي‌توجهي در گفتار و رفتار خود، نشان دهند كه به دنيايي تعلق دارند كه مي‌كوشد فرزندان خدا را به گناه بكشاند (متي 18:7). هر كه پي مي‌برد كه باعث شده ديگران به گناه بيفتند، مي‌بايد اقدامي بنيادي و ريشه‌اي براي نابود كردن اين شرارت بنمايد (متي 18:6 و 8ـ8). گرچه ريشه‌كن كردن وسوسه به گناه غيرممكن است، اما به فيض خدا مي‌توان خود را از تعلق به گروهي از مردم كه عمداً ديگران را به گناه مي‌اندازند، دوري جست (مزامير 1:1؛ اول قرنتيان 10:13).

بنابراين، يك مسيحي بايد بطور مداوم مراقب زندگي خود باشد. او بايد مراقب باشد كه عمداً باعث لغزش دادنِ ديگران به ورطه گناه نشود (لوقا 17:1ـ3). او بايد در زندگي خود كاملاً وابسته و متكي به مسيح باشد (يوحنا 15:5)، و مرتب از روح‌القدس بخواهد كه او را نسبت به گناهاني كه نياز به توبه دارند ملزم نمايد (يوحنا 16:8)، و اشكالاتي را كه ديگران به او گوشزد مي‌كنند با فروتني بپذيرد (متي 18:15). مسيحيان بايد مراقب زندگي ديگران نيز باشند. اگر يك مسيحي مرتكب گناهي مي‌شود، بايد سرزنش گردد. اگر توبه كند، بايد بخشيده شود (لوقا 17:3ـ4). همانطور كه به گناه انداختن عمدي ديگران اشتباه است، نبخشيدن كسي كه از گناه خود توبه مي‌كند نيز اشتباه است. اين فرايند سرزنش و محكوم كردن گناه و بخشيدن گناهكارِ توبه‌كار، هيچگاه نبايد ترك شود (لوقا 17:4). قضاوت نمودن و محكوم كردنِ صرفِ ديگران منع شده است (متي 7:1ـ2)، اما در مقابل، سرزنش و توبيخ نمودن يكديگر در زمان لزومِ حكم شده است (لوقا 17:3 و اول قرنتيان 5:9ـ13). شخص گناهكار از طريق توبه، بر گناه پيروز مي‌گردد؛ و شخصي كه نسبت به او خطا شده است، با بخشيدنِ گناهكار و مهربان بودن نسبت به او پيروز خواهد گرديد (لوقا 17:3ـ4، يعقوب 2:12ـ13).

2) تشويق بزرگ در مورد ايماني است كه وظايفي را كه خدا تعيين كرده است، انجام مي‌دهد. براي اجتناب از به گناه انداختنِ ديگران و آمادگي هميشگي براي بخشش، نياز به دليري و قوت و محبت خدا داريم! و براي دريافت دليري و قوت و محبت خدا، به ايمان نياز داريم! رسولان براي باور اينكه چنين دليري و قوت و محبتي در پاسخ به دعاهايشان داده خواهد شد، نياز به ايماني بود كه شاگردان مسيح احساس مي‌كردند كه از آن برخوردارند (لوقا 17:5). اما مسيح آنان را و نيز ما را تشويق مي‌كند كه نااميد و مأيوس نگرديم.

ايمان هر قدر هم كه كم باشد، وقتي به‌كار گرفته شود، رشد خواهد كرد! تا زماني كه ارتباط وفادارانه و متوكلانه خود را با خدا حفظ نماييم ، تمام وظايفي كه خدا يا مسيح به ما سپرده‌اند قابل انجام خواهد بود (لوقا 17:6). ما بايد باور داشته باشيم كه خدا براي هر فرماني كه به ما داده، دليري و قوت و محبت لازم را هم داده تا بتوانيم تمام فرامينش را انجام داهيم. آنچه مهم است ميزان ايمان ما نيست، بلكه رابطه مبتني بر ايمان با مسيح است. ايمان حقيقي هر چند كوچك باشد، وقتي به‌كار گرفته شود، رشد خواهد كرد. در اين متن، مسيح اين وظايف را تعيين كرده است: هيچگاه عمداً كسي را وسوسه نكنيم، و هميشه آماده بخشيدنِ كساني باشيم كه نسبت به ما مرتكب گناهي شده‌اند. هر چند اين وظايف بسيار دشوار است، اما با دليري و قوت و محبت خدا قابل انجام مي‌باشد. اين است آنچه بايد به آن باور و ايمان داشته باشيم. جذامي‌ها در لوقا 17:11ـ19 نسبت به وظيفه‌اي كه مسيح به آنها محول كرد، واكنشي مبتني بر ايمان دادند و مسيح آنان را در راه شفا داد. ايمان آنها به مسيح به قدري قوي بود كه آنها حتي قبل از آنكه نشانه و علامتي از عمل او ببينند، به آنچه گفته بود عمل كردند (ر.ش. لوقا 7:1ــ10).

3) مثال متضاد در مورد رفتار جذامي اهل سامره بود. اولين مسأله اين است كه به شاگردان هشدار داده شد كه آنها مسؤول هستند كه خدمتشان باعث نشود كه ديگران به گناه بيفتند. مسأله دوم اين است كه شاگردان تشويق شدند كه ايمان ايشان باعث خواهد شد كه هر وظيفه‌اي را كه خداوند به آنها سپرده است، انجام دهند. اما مسأله سومي كه مي‌ماند اين سؤال است كه «با چه روحيه‌اي شاگردان بيرون

رفته و در وظايف مختلفشان خدا را خدمت مي‌كنند؟» اين سؤال در مَثَل غلام بي‌منفعت در لوقا 17:7ـ10 و در مثال متضاد آن كه بدنبال مَثَل 17:11ـ19 آمده است، پاسخ داده شده است. لوقا بيـان مي‌كنـد كه چگونه ده جذامي با انجام كاري كه مسيح به آنها گفت شفا يافتند، اما فقط يكي از آنهـا بازگشـت و از خداوند تشكر كرد. اين واقعه مي‌تواند روحيه‌اي كاملاً مخالف با آنچه را كه در مَثَل غلام بي‌منفعت توصيف شده است، بيان كند.

ب) داستان مَثَل در لوقا 17:7ـ9 آمده است.

ج) توضيح يا كاربرد مَثَل در لوقا 17:10 آمده است. عيسي مي‌فرمايد: «همچنين شما نيز چون به هر چيزي كه مأمور شده‌ايد عمل كرديد، گوييد كه غلامان بي منفعت هستيم زيرا كه آنچه بر ما واجب بود بجا آورم.» توضيح يا كاربرد مربوط به ارباب نمي‌باشد بلكه بـه غلام. غلام در داسـتان مَثَـل آنچـه را بـه او گفته شد، انجام داد. و در توضيح يا كاربرد، وقتي شاگردان هر آنچه را كه به آنها گفته شـود، انجـام دهنـد، بايد به خودشان بگويند كه غلامان بي منفعتي هستند كه فقط وظيفه‌شان را انجام داده‌اند.

كلمات مهم و كليدي در توضيح، «غلام بي منفعت بودن» و «انجام دادن وظايف» مي‌باشد. چون اطلاعات بيشتري در متن وجود ندارد، مي‌توان دو توضيح يا كاربرد بـراي اين مَثَـل در نظـر گـرفت. توجـه اصلي در هر دو توضيح (يا كاربرد)، معطوف به روحيه‌اي است كه غلام با آن خدمت مي‌كند.

1) توضيح اول بر اين حقيقت تأكيد دارد كه شاگرد نبايد برده‌وار خدمت كند. در داستان مَثَل، غلام فقط كاري را انجام مي‌دهد كه به او گفته شده است. اگرچه هيچ مشكلي در ارتباط بـا اطـاعت او وجـود ندارد، اما در ارتباط با نگرش و طرز برخورد او در خدمت مشـكلي وجـود دارد! او فقـط زمـاني كـاري را انجام مي‌داد كه بـه او گفتـه مي‌شـد. دسـتورات مـداوم بـه غلام دلالت بـر اين امـر دارد كـه غلام منتظـر دستورات جديـد مي‌مانـد. روحيـه بـرده‌وار ، وجـود او را تصـاحب كـرده اسـت، يعـني او تنهـا آنچـه را كـه وظيفه‌اش مي‌باشد انجام مي‌دهد نه كمـتر و مسـلماً نـه بيشـتر. او پس از اينكـه وظيفه‌اش را انجـام داد، منتظر مي‌ماند تا اربابش به او دستور جديدي بدهد. او از خودش براي خدمت كردن پيشقدم نمي‌شود. او يك غلام محاسبه‌گر و بي‌تفاوت است كه تصميم گرفته فقط حـداقل حكم يـا صـورت ظـاهر آن را انجـام دهد. قلب او در خدمتش نيست. او با روحيه‌اي برده‌وار وظايفش را انجام مي‌دهد. هيچ روحيـة مشـتاقانه، جد و جهد، قدرشناسي و هيچ شادي و خوشي‌اي در خدمتش وجود ندارد. او تعجب نمي‌كند كه اربـابش از او براي انجام دستوراتش تشكر نمي‌كند!
كاربرد مثل مي‌تواند اين باشد كه مسيحيان اگر مانند اين غلام محاسبه‌گر، بي‌تفاوت خدمت كنند و تنها كاري را انجام دهند كه به آنان گفته شده و نه بيشتر، بنابراين چنين مسيحياني مي‌بايد به خـود بگوينـد كـه لايق هيچگونه تشكر و قدرداني نمي‌باشند زيرا هيچ كاري بيش از وظيفه‌شان انجام نداده‌اند. آنـان مي‌بايـد خدمتشان را لايق دريافت هيچ نوع تحسين و قدرداني يا پاداشي از جانب اربابشـان به‌حسـاب آورنـد زيـرا چيزي بيش از آنچه از آنها انتظار مي‌رود، انجام نداده‌اند. وقتي مسيحيان در ملكوت خـدا خـدمت مي‌كننـد بايد اين روحيه و طرز برخورد برده‌وار را كنار بگذارند. خدمت آنها بايد با تمام دل، در نهايت جديت و بالاتر از حد معمول باشد. همانطور كه مسيح در متي 5:20 مي‌فرمايد: «زيرا به شما مي‌گويم، تا عدالت شـما بر عدالت كاتبان و فريسيان افزون نشود ، به ملكـوت آسـمان هرگـز داخـل نخواهيـد شـد» (ر.ش. مـتي 5:47ـ48). بنابراين، لوقا روح غلام بي منفعت در مَثَل را با روح جذامي شفا يافتة اهـل سـامره مقايسـه مي‌كنـد. غلام بي‌منفعت فقـط وظيفه‌اش را انجـام داد (لوقـا 17:7ـــ10)، در حاليكـه سـامري بيش از وظيفه‌اش انجام داد (لوقا 17:11ـ19). اگرچه مسيح ده جذامي را شفا داد، تنها او كـه اهـل سـامره بـود براي تشكر و ستايش خدا براي شفايش بازگشت. تمام ده جذامي وظيفه‌شان را انجام دادند، يعني آنچـه كه مسيح به آنها دستور داده بود، انجام دادند. اما تنها يكي از آنها بيش از آنچه مسيح به آنهـا دسـتور داده بود، انجام داد: او داوطلبانه براي تشكر و ستايش خـدا بازگشـت! در اين مَثَـل عيسـي بـه روحيـه و طـرز برخوردِ خشك قانوني و شرعي در خدمت حمله مي‌كند. مسيحيان بايد با انجام چيزي بيش از وظيفه‌شان خدا را با تمام دل و با جديت خدمت كنند.

2) توضيح دوم بر انجام خدمت فروتنانه تأكيد دارد. در داستان مَثَل، غلام آنچه را به او گفته شده است، انجام مي‌دهد. اگرچه در اطاعت او اشتباهي نيسـت، امـا در روحيـه و طـرز برخـورد او بـا خـدمت اشتباهي وجود دارد! سؤالات در داستان مي‌تواند بر اين امر دلالت داشـته باشـد كـه غلام بـراي خـدمتش انتظار نوعي قدرداني يا پاداش را داشت. روح غرور و خودبزرگ‌بيني اغراق‌آميزي او را در برگرفت، يعني او انتظار داشت كه اربابش بخاطر خدمتش به او چيزي بدهد. او اعتراض مي‌كرد كه اربـابش بخـاطر كـار طاقت‌فرساي تمام روز مي‌توانست از او قدرداني كرده و تشخيص دهد كه او نـيز در انتهـاي روز نيـاز بـه استراحت و آرامش دارد. يا اينكه ارب‍ـاب مي‌توانسـت از او بخـاطر خـدمتش تشـكر كنـد. اين غلام تصـور مي‌كرد بيش از وظيفه‌اش خدمت مي‌كند و لياقت رفتار بهتر و يا حـتي نـوعي پـاداش را دارد! اگـر خـادم چنين تفكراتي داشته باشد، از لحاظ روحاني مغرور شده و خود را بهتر از آنچه هست مي‌پندارد.
بنابراين كاربرد مثل مي‌تواند اين باشد كه وقتي مسـيحيان خـدا را اطـاعت مي‌كننـد، مي‌بايـد بـه خـود بگويند كه لايق هيچ نوع تحسين يا قدرداني يا پاداش بخاطر انجام وظيفه‌شان نمي‌باشند. آنان بايد خـدمت

خود را يك امتياز به‌حساب آورند، نه چيزي كه سزاوار نوعي پاداش است. مسيحيان براي اطاعت و خدمت خدا، سزاوار قـدرداني اضـافي و بيشـتر نمي‌باشـند. اطـاعت كـار اضـافه‌اي نيسـت كـه مـا انجـام مي‌دهيم، بلكه جزيي جدايي‌ناپذير از ايمان و وظيفه‌مان مي‌باشد. در اين مَثَل عيسي نـه خـدمت مـا را بي ارزش مي‌داند و نه مي‌خواهد به آن پاداش ندهد. اما او به روحيه خودبزرگ‌بيني و غرورِ روحانيِ بي‌اساس حمله مي‌كند. مسيحيان بايد خدا را با روحيه‌اي متواضع و فروتن خدمت نمايند.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصليِ مثل را اسـتحكام مي‌بخشـند. بنـابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
تعليم: در اين مثل، عيسي به هيچكدام از جزئيات معناي خاصي اطلاق نمي‌كند.

4- تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كـه خـودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونـه بايـد تفسـير كـنيم. هـر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يـك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مَثَل غلام بي‌منفعت در لوقا 17:7ـ10 در مورد «خدمت در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد.

الف) پيام اصلي مَثَل مي‌تواند به اين شرح باشد: «مسيحيان بايد بكوشند كه غلامان لايق و شايسته‌اي باشند كه بيش از وظيفه‌شان انجام مي‌دهند.» مسيحيان نبايد با روحيه برده‌وار خـدمت كننـد و بـا بي‌ميلي فقط آنچه را به آنها گفته شده است، بجا بياورند. آنان بايد با روحيه‌اي مشتاق، با ميل و رغبت، با تمام دل و جان و با شادي، بيش از آنچه كه به آنها گفته شده، خدمت كنند. آنان با روحية محبت و قدرداني خـدمت مي‌كنند. روحية برده‌وار در ملكوت خدا هيچ پيشرفتي نخواهد داشت.

ب) يا ممكن است پيغام اصلي مَثَل بدين صورت باشد: «مسيحيان بايد خود را به‌عنوان غلامان بي‌منفعتي در نظر بگيرند كه وظيفه‌شان را انجام مي‌دهند ». مسيحيان نبايد با روحية غرور خـدمت كننـد، فكر كنند براي انجام آنچه به آنها گفته شده، سزاوار تحسين، قدرداني و پاداش مي‌باشند. آنان بايد خدمت را يك امتياز بدانند بدَون آنكه انتظار پاداشـي بـراي اطاعتشـان داشـته باشـند. آنـان بـا روحيـة مغـرور در ملكوت خداوند پيشرفتي نخواهد داشت (ر.ش. اول پطرس 5:5ـ6).

ج) «خدمت» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خدا است! شهروندان واقعي ملكوت خدا با خوشحالي بيش از آنچه از آنان خواسته مي‌شود، خدمت مي‌كنند بدون اينكه انتظار تحسين، قدرداني يا پاداش داشته باشند.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجـود در تمـام مثل‌هـا بـا حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يـا تضـاد. سـعي كنيـد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثـل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان بـا تعليم موجـود در مثـلِ «غلام بي‌منفعت» مقايسه كرد؟

الف) غلام بي‌نفع و غلام بي‌منفعت
قرائت: متي 25:30ـ يادداشتها: در زبان اصلي در هر دو قسـمتِ كتاب‌مقـدس همـان كلمـه اسـتفاده شـده است. غلام مذكور در متي 25:30، غلامي بي‌ارزش يا بي‌نفع (بي‌استفاده) است زيرا مطلقاً وظيفه‌اي كه به او محول شده بود، انجام نداد. خـادم بي‌نفـع بـه جهنم انداختـه شـد. امـا غلام مـذكور در لوقـا 17:10، غلامي بي‌منفعت يا ناقابل است زيرا چيزي بيش از آنچه بـه او دسـتور داده مي‌شـد، انجـام نمي‌داد. غلام بي‌منفعت قطعاً مورد تحسين و تعريف ارباب خود واقع نخواهد شد.

ب) غلام فوق‌العاده
قرائت: متي 5:20ـ، 23ـ24ـ، 40ـ48ـ يادداشتها: اين مقايسه‌اي است بين اين مَثَل و موعظه بالاي كوه. در متي 5:20 مسيح مي‌فرمايد: «زيرا به شما مي‌گويم، تا عدالت شما بَر عدالت كاتبان و فريسـيان افـزون نشود، به ملكوت آسمان هرگز داخل نخواهيد شد.» مشخصه ملكوت خدا نه امور عادي، بلكه امـور فـوق عادي و معمول مي‌باشد. شهروندان ملكوت خدا بيش از حد عادي و معمول انجام مي‌دهنـد. آنهـا بيش از

آنچه صرفاً وظيفه‌شان مي‌باشد، انجام مي‌دهند. براي مثال در متي 5:23ـ48، حالت عادي اين است كه از قتل و حتي عصباني شدن كه نوعي قتل روحاني تلقي مي‌گردد، خودداري شود. اما حالت فوق عادي آن، رفتن و صلح كردن با هر شخصي است كه امكان دارد نسبت به شما مخالفتي داشته باشد! حالت عادي، خوب و درست بودن، عادل بودن و مجازات عادلانه گناهكاران مي‌باشد. اما حالت فوق عادي، مخالفت نكردن با شخص بد و شرور و در عوض مدارا كردن در برابر بدرفتاري‌هاي او مي‌باشد! حالت عادي اين است كه وقتي سرباز يك حكومت اشغالگر شما را مجبور كند كه محموله او را تا مسافتي قانوني حمل كنيد، به آن عمل كنيد. اما حالت فوق عادي، انجام چيزي بيش از درخواستش مي‌باشد. حالت عادي اين است كه فقط به برادران خود سلام كنيد، فقط آناني را دوست داشته باشيد كه شما را دوست دارند، و فقط به اشخاصي خوبي كنيد كه به شما خوبي مي‌كنند. اما عيسي سؤال مي‌كند: در اينصورت، چه كاري بيش از ديگران انجام مي‌دهيد؟ (متي 5:47).

حالت فوق عادي اين است: سلام كردن به غريبه‌ها، دوست داشتن دشمنان، خوبي كردن به اشخاصي كه از شما متنفر هستند، بركت طلبيدن براي اشخاصي كه شما را لعنت مي‌كنند و دعا كردن براي اشخاصي كه با شما بد رفتاري مي‌كنند يا جفا مي‌رسانند (لوقا 6:27ـ28). عيسي انتظار دارد مسيحيان بيش از آنچه فريسيان و امتها (غيرمسيحيان) انجام مي‌دهند، انجام دهند. شهروندان ملكوت خدا بوسيله اعمال فوق عادي‌شان يعني انجام بيش از آنچه وظيفه‌شان است، شناخته مي‌شوند. و آنان تمام اين كارها را مشتاقانه و با تمام قلب و سخاوت و بخشش فراوان انجام مي‌دهند.

ج) غلام قدرشناس (سپاسگزار)

قرائت: لوقا 17:11ـ19. يادداشتها: اين مقايسه‌اي است بين اين مثل و قسمتي كه بلافاصله بعد از مثل مي‌آيد. در لوقا 17:11ـ19 مسيح سؤال مي‌كند: «آيا ده نفر طاهر نشدند! پس آن نه كجا شدند؟ آيا هيچ كس يافت نمي‌شود كه برگشته خدا را تمجيد كند جز اين غريب؟» تمام ده جذامي وظيفه‌شان را انجام دادند: آنها دقيقاً آنچه را كه عيسي دستور داده بود، انجام دادند. اما تنها يكي از آنها چيزي بيش از آنچه به او دستور داده شده بود، انجام داد: او بسوي عيسي بازگشت و با صداي بلند خدا را تمجيد گفت و فروتنانه از عيسي براي آنچه برايش انجام داده بود، تشكر كرد! او دقيقاً مخالف غلام محاسبه‌گر و بي‌تفاوت رفتار كرد. او بيش از آنچه به او گفته شده بود، انجام داد! او بيش از وظيفه‌اش انجام داد: او داوطلبانه براي تشكر و تمجيد خدا بازگشت! به همين ترتيب شهروندان ملكوت خدا بيش از آنچه عيسي به آنها گفته است، انجام مي‌دهند. و تمام اين كارها را با روحيه‌اي شكرگزار و قدرشناس انجام مي‌هند.

د) غلام فروتن

قرائت: لوقا 12:37؛ـ 22:27ـ يادداشتها: اين مقايسه‌اي است بين اين مثل و عيسي به‌عنوان يك نمونه. در مَثَلِ غلامان هشيار و مراقب در لوقا 12:37، عيسي وعده مي‌دهد و مي‌فرمايد: «خوشابحال آن غلامان كه چون آقاي ايشان آيد ايشان را بيدار يابد. هر آينه به شما مي‌گويم كه كمر خود را بسته ايشان را خواهد نشانيد و پيش آمده، ايشان را خدمت خواهد كرد.» و در لوقا 22:27 مسيح مي‌گويد: «زيرا كدام يك بزرگتر است؟ آنكه به غذا نشيند يا آنكه خدمت كند؟ آيا نيست آنكه نشسته است؟ ليكن من در ميان شما چون خادم هستم.» عيسي در اين مثالِ شخصيِ خود، برخلاف خود سخن نمي‌گويد. او آنچه را موعظه مي‌كرد، انجام مي‌داد. او خدمت را موعظه كرد و عملاً خدمت نمود. در يوحنا 13، پاهاي شاگردانش را شست و فرمود: «زيرا به شما نمونه‌اي دادم تا چنانكه من با شما كردم، شما نيز بكنيد» (يوحنا 13:15). به همين ترتيب، شهروندان ملكوت خدا با روحيه‌اي متواضع و فروتن و ارائه نمونه‌اي براي ساير مردم خدمت مي‌كنند.

ه) غلام صادق

قرائت: كولسيان 3:22ـ24. يادداشتها: در كولسيان 3:22ـ24، پولس به غلامان يا برده‌ها هشدار مي‌دهد كه از اربابان خود فقط زماني كه آنان مراقبشان مي‌باشند و صرفاً به منظور كسب خشنودي و رضايت ايشان اطاعت نكنند. او آنان را تشويق مي‌كند كه با صداقت و بخاطر حرمت خداوند خدمت كنند. به همين ترتيب، شهروندان ملكوت خدا هر كاري را كه انجام مي‌دهند با تمام قلب انجام مي‌دهند، گويي آن را بخاطر خداوند انجام مي‌دهند . و آنها تمام اين كارها را از صميم قلب و بخاطر حرمت خداوند انجام مي‌دهند.

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل

قرائت: مثل‌هاي مربوط به خدمت عبارتند از مثل غلام بي‌منفعت در لوقا 17:7-10 و مثل غلامان امين و خائن در متي 24:45-51 و لوقا 12:42-46.

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟

يادداشتها:

الف) همه مردم بايد بدانند كه خدا يا عيسي مسيح چگونه مي‌باشند. عيسي مسيح خودش در ميان ما خادم بود. او نيامد تا خدمت شود بلكه تا خدمت كند و جانش را فداي بسياري نمايد (مرقس 10:45). عيسي مسيح به هر مسيحي وظايف و مسؤوليت‌هاي مشخصي سپرده است كه بايد آنها را انجام دهد.

در زمان بازگشت خود قطعاً مردم را بر اساس حسابگري‌هاي مبتني بر بي‌تفاوتي ايشان يا بر اساس روحيه مشتاقانه و صميمانه آنان در خدمت كردن فراسوي وظيفه‌شان، قضاوت خواهد نمود. او آنان را بر اساس وفاداري يا بي‌وفايي‌شان قضاوت خواهد نمود.

ب) مسيحيان بايد بدانند كه چگونه باشند. هر مسيحي وظيفه دارد كه در انجام وظايفي كه عيسي بر روي زمين به او محول كرده است، وفادار باشد. نه تنها شبانان و مشايخ يا معلمان، بلكه هر مسيحي وظيفه‌اي دارد و عيسي مسيح انتظار دارد كه او وفادار و امين باشد. علاوه بر وظايف خاص، از هر مسيحي انتظار مي‌رود كه ارادة آقاي خود را انجام دهد و به فكر و مراقب افراد نيازمند باشد.
بر طبق لوقا 19:17 و 19 عيسي مسيح به‌هنگام بازگشت خود، به هر مسيحي وفادار و امين در زمين جديد و آسمان جديد وظايفي خاص خواهد سپرد. او خواهد گفت: «آفرين، خادم خوب من! چون در امور كوچك وفادار بودي، مسؤوليت ده شهر را بر عهده بگير.» هر وظيفه‌اي با شخصيت خادم و وفاداري و امانت او بر زمين هماهنگ و متناسب خواهد بود.
قنطارهايي كه خدا به مردم داده بايد مورد استفاده قرار گيرد، و زمان را بايد دريافت، و از فرصت‌ها كمال استفاده را كرد. هيچ كس حق ندارد تنبل باشد؛ هيچ كس حق ندارد فقط براي خودش زندگي كند. شخص بايد براي ديگران (اول قرنتيان 9:22) و براي خدا (اول قرنتيان 10:31) زندگي كند! اول قرنتيان 9:22 مي‌فرمايد: «ضعفا را ضعيف شدم تا ضعفا را سود برم؛ همه كس را همه چيز گرديدم تا به هر نوعي بعضي را برهانم.» و اول قرنتيان 10:31 مي‌فرمايد: «پس خواه بخوريد، خواه بنوشيد، خواه هر چه كنيد، همه را براي جلال خدا بكنيد.»
مسيحيان «همكاران خدا» ناميده شده‌اند. دانستن اين حقيقت كه در چارچوب كار بزرگ خدا بر روي زمين، به هر خادم خدا وظايف مخصوصي داده شده، چه امتياز بزرگي است!
اما هنگامي كه مسيحيان خدمت مي‌كنند، نبايد با روحيه برده‌وار خدمت كنند و تنها آن كاري را انجام دهند كه به آنها گفته شده است. روحية برده‌وار در ملكوت خدا هيچ پيشرفتي نخواهد داشت. مسيحيان بايد با روحيه‌اي مشتاق، با كمال ميل، با تمام دل و خوشحالي بيش از آنچه به آنها گفته شده، خدمت كنند. آنها با روحيه‌اي پرمحبت، شكرگزار و قدرشناس خدمت مي‌كنند. آنها با روحيه‌اي متواضع و فروتن، بدون چشم‌داشت به تحسين و تعريف، قدرداني يا پاداش خدمت مي‌كنند. آنها با روحيه‌اي صميمانه و به خاطر حرمت خداوند خدمت مي‌كنند. آنها مردم روي زمين را چنان خدمت مي‌كنند كه گويا خداوند را خدمت مي‌كنند. مشخصة ملكوت خدا نه كارهاي عادي بلكه كارهاي فوق عادي مي‌باشد. شهروندان ملكوت خدا بيش از آنچه صرفاً وظيفه‌شان است، انجام مي‌دهند. آنها بيش از حد عادي و معمول انجام مي‌دهند. مسيحيان با انجام كارهاي فوق عادي‌شان مشخص مي‌شوند! آنها كارهايي را انجام مي‌دهند كه ديگران نمي‌توانند يا نمي‌خواهند انجام دهند اما لازم است كه انجام شود.

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل «غلام بي‌منفعت» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از ارميا 15، 17، 18، 23 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: منابع الهي، 4. حكمت خدا: يعقوب 1:5. هر روز 5 آيه حفظي آخر را تكرار كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 12:1ـ21. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.